مدیریت شهری
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016
۱۷۷-۱۹۸
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۵/۴ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۶/۲۳

بازبینی تحولات اجتماعی و فرهنگی در مسکن بومی با رویکرد تحلیل ساختاری؛ مورد پژوهی: گمیشان، گرگان

بهنام رجبی فر*- دکتری معماری، عضو هیات علمی گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم شهر، مازندران، ایران
حسن گیاهی- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد، کارشناس اداره کل میراث فرهنگی خراسان رضوی، ایران

چکیده
تبیین نقش اندیشه زمینه گرای معماری معاصر ایران با استفاده از مدل فکری جامعه شناختی شناخت به خصوص استفاده از نظریات نظریه پردازان زمینه گرا که با ماهیت و ساختار متموج و منعطف خود، در تئوری بینابینی اجتماعی، می تواند به عنوان الگویی تطبیقی و در مرحله بعد، مدل منتج از آن جهت جانمایی پدیده های جامعه معاصر ایران علی الخصوص معماری، مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد. جامعه شناسی شناخت باید بتواند علت وجودی اجتماعی و تاریخی کژدیسگیها و انحرافها در بستر معماری معاصر ایران را به عنوان قاضی ناظر بر تشخیص اشتباه پذیری فکری در حوزه جامعه شناسی معماری از گرایش به اندیشه ای خاص و آرمان گرایی کنترل کرده و راهکارها و وجوهی را مشخص نماید که از طریق آنها می توان بر اساس انتخاب معیارهای درست اندیشه انسانی در جامعه هدایت پدیده های اجتماعی مانند معماری میسر گردد. در این مقاله از رویکرد تکوینی و تحلیل ساختاری با روش تحقیق تکوینی- ساختاری و ابزار گردآوری داده: مصاحبه عمیق، مشاهده و پیمایش محلی و مطالعه اسنادی و عکسبرداری و برداشتهای میدانی برای رصد رفتارهای اجتماعی و تغییرات فرهنگی در طراحی و مفهوم مسکن استفاده شده است. در پایان تلاش می شود تا ضمن اشاره به مواد و روش های پژوهش؛ ابتدا به مفهوم رویکرد پژوهش، روش شناسی و شناخت محدوده عملیاتی روش، پرداخته شود و سپس میزان تاثیرپذیری و تاثیرگذاری فرهنگ بر معماری و بالعکس در رویه ای خاص در مسکن بومی مناطقی از نمونه موردی پیمایش شده و نتایج تحلیلی آن مورد تدقیق قرار می گیرد.
واژگان کلیدی: مسکن بومی، تحولات فرهنگی و اجتماعی، رویکرد تکوینی و تحلیل ساختاری.

Review the social and cultural changes in Turkmen's local housing developmental approach and structural analysis, case study: Gomishan, Gorgan

Abstract
Clarifying the role of contemporary architectural thought oriented field of intellectual model of sociological theories of knowledge regarding the use of field-oriented theorists that the nature and structure of wavy, and flexible, in theory, interstitial social be used as a model of comparative. Next, the resulting model to locate the phenomena of contemporary Iranian society, especially architecture, studied and analyzed. Sociology of knowledge must be able to cause variances in the context of contemporary architecture's social and historical existence as a judge on the misdiagnosis of thought in the field of sociology of architectural control. Identify strategies and funds, through which can be selected according to the criteria of true human thought in a society driven social phenomena such as architecture is possible. In this paper, the approach to structural analysis using genetic and structural research and data collection tools: in-depth interviews, observation and local navigation and reading documents and photographs and field visits to observe social behavior and cultural changes in the design and housing concept has been used. At the end of attempts to referring to the materials and research methods, the research approach to the concept, methodology and knowledge of operational procedures, and then examines the impact and influence of culture on architecture and vice versa in a given procedure in domestic housing areas sample surveys and analytical results it will be scrutinized.
Keywords: native housing, social and cultural developments, developmental approach and structural analysis.

* نویسنده مسؤل مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۱۱۵۱۰۵۸۳، رایانامه: rajabi-b@yahoo.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

مقدمه

بـه دنبال تغییر در شـرایط زندگی انسـانی و گسـترش بـی وقفـه ابعـاد کمـی شـهرها از یکسـو و از سـویی دیگـر، تغییر و گسـترش در زمینه هـا و تعاریف تعیین کننـده اجتمـاع و جامعـه ماننـد توسـعه کـه در جهان امـروز دچار نسـبیت و شـک گرایی شـده اسـت، بحران و کژدیسـگی در شـناخت پدیـده هـای اجتماعـی از روابـط انسـانی تـا محصـولات جامعـه ماننـد معمـاری کـه معلـول همیـن تغییرهـا مـی باشـد، در بسـیاری جوامـع به خصـوص جامعـه معاصر ایران به چشـم می خـورد. مـردم جامعـه مخاطبان اصلی معماری هسـتند و معمـاری نیـز محصـول مسـتقیم جامعـه و روابـط انسـانی اسـت. ایـن بحـران در زمینه هـای مختلـف اقتصـادی، اجتماعی، فرهنگی می باشـد. مسـاله بحران معمـاری هـم زمینـه در بحران جامعـه و اقتصـاد دارد؛ ولـی بحـران معمـاری بـه صورتـی ناآگاهانـه در میـان مـردم وجـود دارد. مهمتریـن نشـانه اثبات کننـده ایـن وضعیت گم شـدن نظـام هنجارها و ارزشـهای فرهنگی و اجتماعـی اسـت. ایـن حالت باعث می شـود که مردم در مراجعـه بـه معمـار نمـی داننـد چـه مـی خواهنـد. در چنیـن شـرایطی همـه چیـز امـکان پذیر می شـود. بـه نظـر می رسـد که یـک کارشـناس معمـاری باید با مطالعـه دقیق شـرایط فرهنگی و اجتماعـی و اقتصادی و تکنیکـی بهتریـن گزینـه هـا را بـرای مخاطـب بیابد. ولی بدون بسترسـازی درسـت در تمـام جوانب مربوطه بـه خصـوص زمینـه هـای اجتماعـی معمـاری و عـدم وجـود مـدل یـا مدلهـای فکـری منطبـق و منعطـف با شـرایط جامعـه در پدیـده ای مانند معمـاری، معماری طراحی شـده و یا سـاخته شـده نه تنها مشـکلی را حل نمـی کند بلکه شـرایط را پیچیده تر مـی کند و حالتی ایجـاد مـی کنـد که مـی تـوان آنـرا بحـران مضاعف یا معمـاری بحـران سـاز نـام بـرد. واضح اسـت که ریشـه بحران معاصر در نقص و نارسـایی در شـناخت شناسـی مکاتـب و زمینه هـای اجتماعـی آنهاسـت. بسـیاری از نظریـه پردازان معاصر از محدودیت موجود در شـناخت شناسـی جوامـع معاصـر گلایه دارنـد لذا مبنـای خود را در هنـر و معمـاری بـه بحـث شـناخت شناسـی می گذارنـد. ایـن مسـاله ضـرورت مطالعـه ویـژه در حـوزه جامعـه شناسـی و هنجارهـای حاکـم بر روابـط جامعه و معمـاری را مضاعـف مـی کنـد. بـا توجـه به شـرایط عینـی جامعـه امـروز لـزوم بسـتر سـازی اجتماعـی معمـاری براسـاس مـدل شـناختی خاص کـه منعطف و منطبـق بـا شـرایط جامعـه امروز ما باشـد، بـا تبیین شـناخت شناسـی جامعه، عـلاوه بر تحلیـل زمینه های اجتماعـی معمـاری معاصر ایران، به صورت تشـکیکی- یقینـی بـه ارائـه ایـده هـا و پیشـنهادهایی جهـت رفع تناقـض هـای میـان جامعـه شناسـی معمـاری معاصر ایـران و نـگاه تکثرگـرا و خلق الساعه در جهـان و همچنیـن ایجـاد خلاقیـت درونـی و ذاتی پدیـده های اجتماعـی بخصـوص معمـاری در ایـن مقـال بیانجامد. در ایـن مقالـه تـلاش مـی شـود تـا ضمـن اشـاره بـه مـواد و روش هـای پژوهـش؛ ابتـدا بـه مفهـوم رویکـرد پژوهـش، روش شناسـی و شـناخت محـدوده عملیاتی روش، پرداختـه شـود و سـپس میـزان تاثیرپذیـری و تاثیرگـذاری فرهنـگ بر معماری و بالعکـس در رویه ای خـاص در مسـکن بومـی مناطقـی از نمونـه مـوردی پیمایـش شـده و نتایـج تحلیلـی آن مورد تدقیـق قرار مـی گیـرد. در ادامـه بـه این مفاهیـم و بسـتر قلمروی پژوهـش اشـاره می شـود.

مواد و روشها

روشهای مورد نظر در این تحقیق عبارتند از:

۱- روش تکوینـی: روش ایـن پژوهـش نیـز بـا توجه بـه رویکـرد نظـری آن، «روش تکوینـی» اسـت. بـرای توضیـح روش مـی بایسـت ابتـدا مفاهیـم بـه کار رفته در آن شـرح داده شـود. در روش تکوینـی، پژوهشـگر دربنـد تعاریـف مفاهیم در نخسـتین گام نیسـت، بلکه می کوشـد «قانون درونی را جسـتجو کند کـه بنابر آن قانـون، کل، تکویـن مـی یابد؛ یـا لااقل می تـوان تصور کـرد کـه کل را مـی آفرینـد» (وبـر، ۱۳۸۲، ص ۳۴۹)؛ بنابرایـن، ایـن روش «بـودن» یک پدیـده را مدنظر قرار نمی دهد بلکه در مسـیر «شـدن»، تغییرات گذشته آن را بفهمـد. ایـن روش ناظر بر همان رویکرد نظری اسـت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

کـه حکـم تکوینـی را بـر واقعیـت تعریف شـده اولویت مـی دهـد و واقعیـت اجتماعـی بـرای آن یـک پدیـده بیرونـی نیسـت که بتـوان با تعریـف منطقـی، آن را در دایـره عقـل آورد و به کمـک ذهن آن را شـناخت بلکه واقعیـت اجتماعی، هسـتی پویایی اسـت که انسـان نیز جزئـی از آن اسـت و در فراینـدی تکوینـی و از خـلال حکمهـا و قوانینی کـه بر اثر توافـق اجتماعی حاکمیت مـی یابند، شـکل مـی گیـرد و تکامل می یابد. درسـت بـر عکـس رویکـرد مدرسـی فلسـفه تاریـخ کـه در آن «هسـتی از همـان آغـاز به گونه اندیشـه پنداشـته می شـود و به صورت مفهوم در می آید و با مشـتق شـدن از اندیشـه محمـول آن واقـع مـی شـود» (مارکـوزه، ۱۳۸۸، ص ۲۷۷).

۲-روش تحلیـل سـاختاری: مهمتریـن روش در ایـن رسـاله روش تحلیـل سـاختاری اسـت؛ چراکـه روش «تحلیـل سـاختاری» نیـز از نظر شـکل کالبدی، مقیـاس و ابعـاد، موقعیت و قراگیری در سـایت و روش سـاخت و آداب اجتماعـی مربـوط بـه آن را نیز شـامل می شـود. تحلیـل آثـار در واقع تحلیل سـاختاری زبان با اسـتفاده از روش زبان شناسی سـاختاری است. بدین ترتیـب در چارچـوب رویکـرد پدیدارشناسـی تحلیـل سـاختاری زبـان از جنبـه ریخت شـناختی، توپولوژیک و گونه شناسـانه انجـام می شـود تا بتوان بـه معیارهای مـورد نظـر تحقیـق دسـت یافت.

تکنیک هـای گـردآوری داده: در ایـن رسـاله، مسـکن ترکمنهـا بـر اسـاس اسـناد تاریخـی، توصیفهـای بـه جامانـده، عکسـها و نقشـه هـای معمـاری و یـک مطالعـه میدانـی و گشـت اکتشـافی در محـل بررسـی مـی شـود. اولیـن تکنیـک مشـاهده مشـارکتی اسـت. پژوهشـگر یـا بایـد: یـک مشـارکت کننده کامل باشـد، هویـت و نیتهـای حقیقـی اش را از گروه مورد بررسـی پنهـان نگـه دارد و کامـلاً ماننـد آنهـا زندگـی کنـد؛ یا بـه عنـوان مشـاهده گـر مشـارکت کننده عمـل کند و خـود را در زندگـی گـروه مـورد بررسـی درگیر سـازد؛ ولـی آنهـا بداننـد کـه او از اعضـای گروهشـان نیسـت؛ یـا مشـاهده گر مشـارکت کننده ای باشـد کـه بازدیـد کوتاهـی از گـروه مـورد بررسـی مـی کنـد و مشـارکت محـدودی در زندگـی آنها دارد، حالتـی که چندان رواج نـدارد. در ایـن تحقیـق از هـر دو روش اسـتفاده شـده اسـت؛ چنانچـه در مـورد اول از آنجـا که پژوهشـگر در منطقـه گـرگان رفت و آمد داشـته و سـاکن می باشـد، مصـداق بـارز ایـن تقسـیم بندی اسـت و بـا بیشـینه مطلعیـن محلـی وارد گفت و گو شـده و از نحوه زندگی ترکمنهـا در انـواع شـیوه ها و سـبکهای زندگـی آنهـا اطلاعاتـی را حاصـل کـرده اسـت و در مـورد دوم نیـز بـا اذعـان بـه پژوهشـگر بـودن و اسـتفاده از نتایـج آن در رسـاله دکتـری، بـا افـراد وارد مصاحبـه عمیـق و اخـذ پرسشـنامه شـده اسـت. لذا مـی تـوان تکنیکهای ایـن زمینـه را عبـارت دانسـت از: «مصاحبـه عمیق» با مطلعیـن و سـاکنان محلـی و مردم بومـی از متغیرهای وابسـته تحقیق؛ «مشـاهده و پیمایش محلی» و بررسی شـیوه هـای زیسـتی و الگوهـا و سـبکهای سـکونتی ترکمنهـا در منطقـه گمیشـان؛ «مشـارکت سـازی مردمـی» از طریـق مشـارکت دهی سـاکنان محلـی و مطلعیـن بومـی در منابع اطلاعاتی؛ «مطالعه اسـنادی» بـرای بررسـی اسـناد و مـدارک مرتبط با گونـه و روابط تاریخـی اجتماعی تاثیرگـذار بر کالبد معماری مسـکن ترکمنهـای محـدوده مـورد مطالعـه؛ «عکسـبرداری و برداشـتهای میدانـی» بـرای رصـد رفتارهـای اجتماعی ترکمنهـا نسـبت بـه مسـکن بومی و انـواع شـیوه های سـکونتی خـود در محـدوده مـورد مطالعـه. «مطالعـه اسـنادی» تکنیـک مـورد توجه محقق اسـت کـه برای بررسـی شـیوههای زندگـی و تاثیـرات اجتماعـی و تحـولات سیاسـی- فرهنگـی و اجتماعـی بـر تغییـرات و الگوهـای سـکونتی ترکمنهای محدوده مـورد مطالعه مـورد اسـتفاده قـرار گرفتـه اسـت. «عکسـبرداری و تصاویـر برداشـتی» آخریـن تکنیـک مـورد اسـتفاده از تحقیـق و بـه نوعـی تکنیـک تکمیلـی بـوده اسـت که پژوهشـگر بـرای نشـان دادن فضاهـا و مسـتندسـازی گفتـه هـا از آن اسـتفاده کـرده اسـت.

جامعـه آمـاری و نمونه بـرداری: جامعه آمـاری تحقیق، مسـکن بومی نواحی شـمالی کشـور در حاشیه ساحلی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

دریـای خـزر مـی باشـد کـه تاکیـد عمـده آن بـر قـوم شناسـی و مسـکن ترکمنهای منطقه گرگان و بالاخص ترکمـن صحـرا و منطقـه گمیشـان بوده اسـت. اسـتان گلسـتان بـا بیـش از ۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع وسـعت؛ از شـمال بـه جمهـوری ترکمنسـتان، از جنوب به اسـتان سـمنان، از غـرب بـه اسـتان مازنـدران و از شـرق بـه اسـتان خراسـان محـدود شـده اسـت. بخـش بیشـتر اسـتان گلسـتان آب‌وهـوای معتـدل مدیترانـه‌ای دارد ولـی جلگـه گـرگان بـه لحـاظ مجـاورت بـا صحـرای ترکمنسـتان، دوری از دریـا و کاهـش ارتفاعـات، آب و هـوای نیمـه بیابانی و گـرم دارد.

محـدوده مـورد مطالعـه: محـدوده مـورد مطالعـه ایـن رسـاله، مسـاکن نواحـی سـاحلی دریـای خـزر و کرانه شـرقی آن یعنـی محـدوده اسـتان گلسـتان و بالاخص گمیشـان بـوده اسـت. صحـرای ترکمـن، در جلگـه وسـیعی بیـن ۵۴/۵ تـا ۵۶/۳ درجه طول شـرقی، ۳۶ تا ۳۸ درجـه عرض شـمالی قـرار دارد. وسـعت این صحرا ۱۶۳۷۵ کیلومتـر مربـع مـی باشـد. ارتفـاع دشـت از سـطح دریـا هرچه به سـمت شـرق رویـم مرتفع تر می شـود تا آنجایی کـه در منطقه گنبـدکاووس به ۳۸ متر می رسـد. حد شـمال جلگه ترکمـن رود اتـرک در مرز ایران و شـوروی سـابق (ترکمنسـتان) و حد جنوبی آن خاکریـز شـاه مزرعه می باشـد (گلـی، ۱۳۶۶، ص ۳۶). دشـتی کـه ترکمن هـای ایـران در آن به سـر می برند در جنـوب رود اتـرک قـرار دارنـد. ایـن ناحیـه کـه آن را دشـت گـرگان یـا ترکمن صحـرا می نامند، از سـمت مغـرب بـا دریـای خـزر و از جنـوب شـرقی بـا کوهپایه هـای شـمالی البـرز تـا رودخانـه اتـرک ۱۰ الـی ۱۵ فرسـنگ است.

بافت اجتماعی و مولفه های جامعه شناختی

واژه ترکمـن: پیـش از بررسـی تاریـخ ترکمنهـا نگاهـی بـه خـود واژه «ترکمـن» و نحـوه پیدایـش آن مـی اندازیـم. بوگلیوبـوف نویسـنده کتـاب «فـرش ترکمن» نظـر دیگـری در ایـن مـورد دارد. وی واژه ترکمـن را «ترک مانـنـد» معنی می کند (بوگلیوبـوف، ۱۳۵۰، ص ۱۶). بارتولـد مـی نویسـد: کلمـه ترکمـن بـرای اولیـن بـار در منابـع تاریخـی و جغرافیایـی متعلـق بـه اواخـر قـرن دهم میلادی بـه کار رفته اسـت (کنعانی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۸). اینکـه واژه هـای «ترکمـن» و «اغوز» دو نام بـرای یـک قـوم تـرک اسـت در منابـع تاریخـی تـرک امـری پذیرفتـه شـده اسـت. نهایتـا ً در اوایـل قـرن سـیزدهم هجـری نـام ترکمـن جایگزین کلمـه «اغوز» شـد (میرنیـا، ۱۳۵۴، ص ۴۵).

پیشـینه تاریخـی- اجتماعـی اقـوام ترکمـن: برخـی محققـان بـا توجـه بـه واقعیـات مذکـور تاریـخ ترکمن هـا را به دو دوره تقسـیم نمـوده اند: الـف- دوره قبل از اسـکان: ایـن دوره تـا اوایـل دهه هشـتاد قـرن نوزدهم میـلادی ادامه ادامه داشـت و به دو بخش قابل تقسـیم

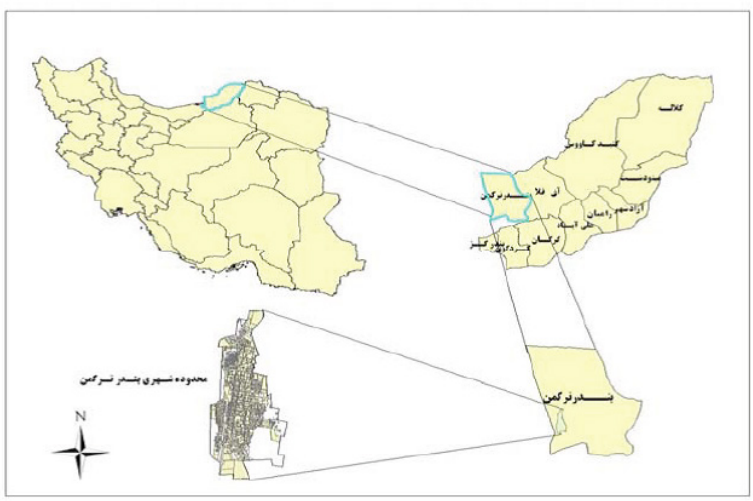

نقشه ۱. محل سکونت ترکمن های ایران؛ ماخذ: کمالی، ۱۳۷۴، ص ۷۹.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

است: بخش اول: نیمه اساطیری- نیمه تاریخی (یا دوره اغوزها) قبل از نیمه دوم قرن دهم میلادی؛ بخش دوم: بخش تاریخی (یا دوره ترکمن ها) و از نیمه دوم قرن دهم میلادی آغاز می شود. ب- دوره اسکان: این دوره را می توان به سه دوره: آغاز اسکان، اسکان اجباری و دوره تثبیت اسکان تقسیم کرد (کنعانی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۱).

«ساختار اجتماعی اقوام ترکمن» (ترکمن های ایران): از آنجا که بررسی ساختار اجتماعی یک قوم خود نیاز به مباحث مفصلی دارد، لذا در اینجا به صورت مختصر به بررسی برخی مؤلفه های اجتماعی مرتبط با موضوع پرداخته می شود.

۱. «**ساختار ابتدایی اقوام ترکمن**» (جامعه شبانی): جوامع ابتدایی اقوام ترکمن جوامع شبانی بوده و این مردمان زندگی شبانی (کوچ نشینی و بیابانگردی) داشته اند. جوامع شبانی جوامعی هستند که اساساً به چهارپایان اصلی متکی اند؛ (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۷۱) و از ویژگی های مهم این جوامع دائم در حال حرکت بودن ایشان برای یافتن چراگاه های بهتر برای دام های خود می باشند. جوامعی همچون جامعه ترکمن ها در مقاطعی دارای اقتصاد مختلط شبانی و کشاورزی بوده اند. تحرک جوامع شبانی و سکون جوامع روستایی باعث پیدایش گونه های متفاوتی از نمادها و نشانه ها می شود (کیتسی، ۱۳۷۸، ص ۱۸).

۲. «**ساختار ایلی**»: ترکمنها پدرتبار هستند. آنها قبل از قرن بیستم دارای خانواده های گسترده بسیار بزرگ با یک رئیس خانواده (پدر) مقتدر و مستبد بودند (کمالی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۱). جامعه ترکمن جامعه ای شبانی است و دارای ساختار ایلی می باشد. در این ساختار آنچه اهمیت می یابد روابط عشیره ای و خانوادگی در یک ایل می باشد. به دیگر سخن، یک ایل مجموعه ای از واحدهای اجتماعی است که از پیوستن خانوارهایی هم نسبت به وجود می آید (اشتری، ۱۳۶۵، ص ۲۵۰).

تحلیل و بیان یافته ها

تحلیل تکوینی و ساختاری مسکن ترکمن

ترکمنهای دامدار برای پاسخ به نیازهای اقتصادی و اجتماعی خود و به اقتضای تحرک دائمی شان، از آلاچیقی که آن را «اوی Oy» می نامند، استفاده می کنند. «اوی» از دیرباز مسکن ترکمنها بوده است زیرا علاوه بر اینکه به بهترین وجه پاسخگوی نیازهای زندگی کوچ نشینی آنهاست در اندک مدتی نیز برپا و برچیده می گردد. «اوی» در حقیقت کوچکترین واحد اجتماعی ترکمن ها بوده است، یعنی یک خانواده ترکمن را در خود جای می داده است. هر «اوی» معمولاً در کنار چند «اوی» دیگر که متعلق به خویشاوندان آنهاست، برپا می شود و مجموعه این «اوی» های کوچکترین واحد اجتماعی- اقتصادی ترکمن ها به نام «اوبه Oba» را به وجود می آورد که با ریشه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به هم مربوطند. در روستاهای ترکمن نشین خانواده های هر تیره در کنار هم و با کمی فاصله از آلاچیق های تیره های دیگر زندگی می کنند و با نگاهی گذرا به سیمای آبادی ها، می توانیم واحدهای اجتماعی، اقتشادی را از یکدیگر تشخیص دهیم. شکل روستاهای ترکمن به واسطه نظام چادرنشینی بسیار پراکنده است. مسکن ترکمنها با نوع معیشت آنها ارتباط مستقیم دارد و نظام تولیدی آنها بر شکل و عملکرد واحدهای مسکونی شان تأثیر گذاشته است. در ساختن مساکن سنتی از مصالحی استفاده می شود که در محیط طبیعی پیرامون وجود دارند. فراوانی استفاده از چوب در مسکن ترکمنها بسیار چشمگیر است. دلیل استفاده ترکمنها از چوب زیاد درساختن خانه های سنتی به چهار عامل برمی گردد که عبارتند از:

۱.«**عوامل فرهنگی**»: گرچه ترکمنها دیگر در آلاچیق زندگی نمی کنند و یکجانشین شده اند، ولی ساخت جامعه ترکمن تغییر چندانی نکرده است. کاملاً آشکار است که استفاده از چوب در این آلاچیق ها بسیار فراوان است، پس به کار بردن

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

چـوب در سـاخت مسـکن یک عـادت فرهنگی اسـت و یـک قسـمت کوچـک از سـاخت جامعه ترکمن اسـت.

۲. «تکنولـوژی ناقص معمـاری»: در بررسـی خانه های کاشـان، یـزد، کرمـان و غیـره که سـابقه یکجانشـینی چنـد هزار سـاله دارنـد می بینیم سـابقه یکجانشـینی باعـث افزایـش تجربه مـردم بومی در رابطـه با معماری شـده اسـت و خانه ها با محیط طبیعی سـازگاری کامل دارنـد. امـا ترکمنهـا نمی توانند آنگونه خانه بسـازند که یـک روسـتایی گنابـادی، یزدی، کاشـانی می سـازد که با اسـتفاده از سـقفهای گنبدی یا قوسـی فضایی وسیع ایجـاد مـی کنـد. او مجبـور اسـت بـا تیرهـای چوبـی سـقف را پرکنـد و فاصلـه آنها را هـم از حد معینی نمی توانـد زیادتر کند زیرا ممکن اسـت سـقف شـکم آورده و بشـکند کـه در ایـن حالـت بایـد بـا زدن سـتون، بـار سـقف را بـه سـتونها منتقـل کنـد. و این یعنـی کاربرد چوب بیشـتر در خانه سـازی.

۳. «**مالکیـت منطقـه**»: مالکیت منطقه شـمال غربی خراسـان متعلـق بـه ترکمنهـا مـی باشـد کـه آنهـا از منابـع طبیعی ایـن منطقه نهایـت اسـتفاده را برده اند.

۴. «**وجود جنگلهای ارس**»: به دلیل اقلیم و پوشـش گیاهـی این منطقـه، اگر ترکمنها این همـه چوب ارس در دسـترس نداشـتند بـرای پوشـش سقفهایشـان راه دیگـری را انتخـاب می کردند.

۵. «**پلان سـاختمان**»: در یک روسـتای ترکمن نشین معمـولاً به خانه هایـی بر می خوریم کـه دارای چندین اتـاق در کنارهـم می باشـند. ایـن اتاقهـا در یـک ردیف قـرار داشـته و هرکـدام دری دارنـد که به سـمت ایوانی سرتاسـری بازمـی شـود. این ایوان دارای سـقفی اسـت کـه بـر روی سـتونهای متعـددی اسـتقرار پیـدا کـرده اسـت. معمـولاً در زیـر ایـن اتاقهـا طبقـه دیگـری هـم وجـود دارد کـه بـه عنـوان طویلـه یـا انبـار بـه کار می رود. ابعـاد اکثـر اتاقهـا از ۴*۵ متـر تجـاوز نمـی کنـد ولـی طـول ایـوان یـا بـه عبارتـی در ازای ردیـف اتاقها بسـیار متغیـر بـوده و به گسـتردگی یک خانـه یا حتی یـک خانـدان بسـتگی دارد. در بعضـی موارد هـر اتاقی بـرای خـود توالتـی دارد کـه بیـرون ردیـف اتاقهـا و در گوشـه ای از محوطه سـاخته می شـود. علاوه بر این در میـان محوطـه به یـک تنور برمـی خوریم که از سـطح زمین بلندتر سـاخته شـده و بـرای اسـتفاده همه اتاقها مشـترک است.

تحلیل ساختاری مسکن ترکمن

برپاکردن و برچیدن «اوی» یکی از فعالیت هایی اسـت کـه زنـان ترکمن، در قالب تقسـیم کار برحسـب جنس انجـام آن را بـر عهـده دارنـد. بـرای برپا کـردن «اوی» زمیـن بـاز و نسـبتاً بلنـدی را در نظـر مـی گیرنـد و گاهـی بـرای جلوگیری از نفـوذ باران و مـوش صحرایی زمیـن را بـه ارتفـاع تقریبـاً ده سـانتیمتر بـا خشـت و گل بـالا مـی آورند. ابتـدا تخته پایین چهارچـوب در را روی زمیـن مـی گذارنـد و سـپس دو چـوب طرفین در آلاچیـق «اوی» را بـه طریـق عمـودی بـه میان پاشـنه گردهـای آن قـرار می دهنـد و تخته بـالای چهارچوب در را سـر جـای خـود نصـب می کننـد و محـل تقاطع چهارچـوب در را بـا طنابـی محکـم مـی بندند. سـپس دو قطعـه «تـارم» را دایـره وار به چوب هـای در «اوی» مـی بندنـد و بنـد دو قطعـه «تـارم» پشـت «اوی» را با طنـاب بـه دو تـارم پیشـین مهـار مـی کننـد. در ایـن حالـت تـارم هـا بـر روی زمین به شـکل دایره با شـعاع ۲ – ۲/۵ در مـی آیـد. در ایـن هنـگام از قسـمت داخل اوی چـوب هـای دو شـاخه ای شـکل بـه تـارم تکیـه مـی دهنـد تـا «تـارم» بـه میـان کشـیده نشـود. برای یکپارچگـی و اسـتحکام «تارم» بـا دو قطعه نوار جاجیم بـاف (دورلـق یاخـا) اطـراف «اوی» را از قسـمت بیرون مـی بندند. در قسـمت بـالای «دورلق یاخـا» نیز «بیل یـوپ» کـه نـوار کم عرض تری اسـت بسـته می شـود. ایـن نوار موجـب می گردد کـه «اوی» در برابر بادهای شـدید منطقـه مقاومـت نماید. پس از ایـن کار نوبت به نصـب قسـمت گنبـدی شـکل آلاچیـق مـی رسـد که کار حسـاس و دشـواری اسـت. چهـار نفر، هر کـدام دو «اوق» را از چهار طرف در هشـت سـوراخ «توی نوک» فـرو مـی کننـد. این سـوراخ هـا دوبـه دو در کنـار هم قـرار دارنـد و درسـت رأس دو قطب عمود بـر هم دایره «تـوی نـوک» را در نظـر مـی گیرند. سـر دیگـر «اوق»

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

ها را در دست می گیرند و با هم «توی نوک» را بلند می کنند و در چهار طرف «تارم» می ایستند. سپس طنابی از میان «توی نوک» به پایین می کشند و سر آن را به جوال پر از گندم و یا خاک وصل می کنند تا هنگام پوشاندن نمد، باد صدمه ای به «اوی» وارد نکند. ضمناً برای نگهداری «اوق ها» با «دوزی» اطراف آنها را می بندند. سپس نوبت به پوشاندن «دورلق ها» فرا می رسد. دو قطعه «دورلق» را به اطراف «تارم» می کشند که حدود نیم متر از «اوق ها» را می پوشاند. گوشه های چهار طرف هر قطعه را با «اوزوک» می پوشانند و برای اینکه نمدها به پایین کشیده نشود گوشه های آن را با طناب هایی به «اوق ها» و چوب های «تارم» می بندند. «سرپک» را نیز بر روی توی نوک می اندازند. شعاع سرپک هفتاد و پنج تا صد سانتیمتر است و بر هشت گوشه آن طنابی وصل است که تا روی زمین ادامه دارد. اطراف تارم را با سه قطعه «قامیش» می بندند به طوری که «گت قامیش» درَپشت «اوی» قرار می گیرد. در ورودی «اوی» را در سمت جنوب قرار می دهند تا «اوی» علاوه بر بهره گیری از اشعه آفتاب، از بادهای شرقی و غربی و شمالی منطقه در امان باشد. در قسمت بیرونی «اوی» به فاصله های

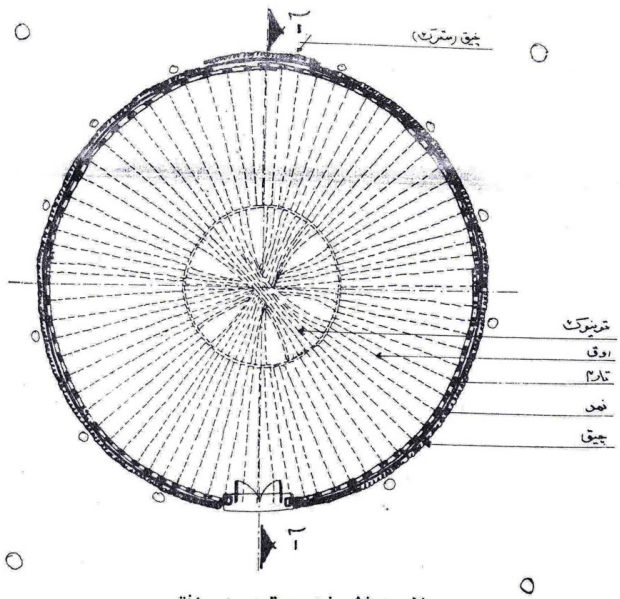

پلان پوشش نمدوچیق (برش افقی)

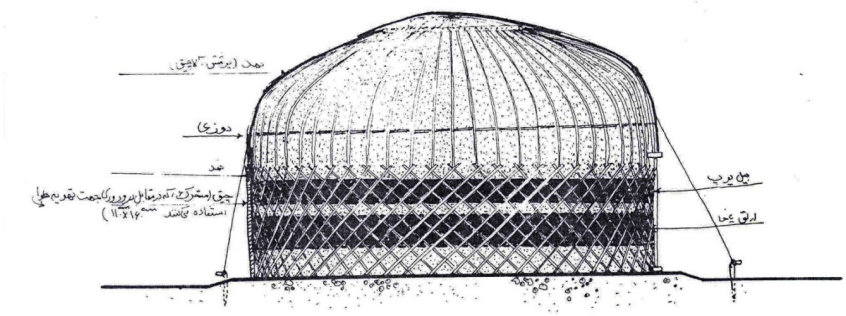

برش از آلاچیق ، برش عمودی (آ.آ.)

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

بیـن یـک یـا دو متـر چنـد میـخ چوبـی دو شـاخه بـه زمیـن مـی کوبنـد و هنـگام طوفـان و کـولاک طنـاب هـای «سـرپک» را بـه آنهـا وصـل مـی کننـد کـه بـاد «اوی» را تـکان ندهـد و آن را جمـع نکنـد گاهـی نیـز طنـاب کلفتـی بـه نـام «ارقـن» در پشـت «اوی» از دو طـرف مـی اندازند و سـر طنـاب را به میخ هـای چوبی اطـراف «اوی» می بندنـد و چنانچـه بـاد شـدید کـه به «قـره یل» (سـیاه بـاد) معروف اسـت، در جریان باشـد از داخـل «اوی» چـوب هایـی به ارتفـاع دو متر در کنار «تـارم» بـه زمیـن مـی کوبنـد تـا بـاد «اوی» را در هم نریـزد. بـرای خارج کردن دود از «اوی» طناب قسـمت مقابـل در ورودی «اوی» را کنـار مـی زننـد. بـه طـور کلـی «سـرپک» عمـل نوررسـانی و تهویـه را انجام می دهد.

تحلیل ساختاری خانه های چوبی گمیشان

نقشـه ایـن منـازل سـاده اسـت، دارای چنـد پایه انـد، ایـن پایـه هـا از آجـر یـا چوبنـد و خانـه را چنـد متـر از سـطح زمیـن بـالا مـی بـرده انـد تـا چـوب هایی که سـاختمان را بـا آنهـا مـی سـاخته انـد بـا سـطح زمین تماس مسـتقیم نداشـته باشـند. این پایه هـا در برخی خانـه هـا تـا ارتفـاع یک متـر هم می رسـند. بـر روی ایـن پایـه هـا بنـا را الوارهـای بـه ضخامـت ۲۰× ۲۰× ۲۰ cm آغـاز مـی نمودنـد، جالـب توجـه اینجاسـت کـه الوارهـای کـف خانـه هیـچ گونـه اتصـال خاصـی بـا پایـه هـای آجـری خانـه ندارنـد. سـپس با سـاختن چهارچـوب منـزل و بـا اتصـال نـی یـا چـوب هایـی به دو طـرف الوارهـای چهارچـوب به صـورت اریب فضایی ایجـاد مـی نمودند تـا دیوارخانه را بسـازند. میان چوب هایـی کـه به چهارچـوب سـاختمان وصل کـرده بودند بـا کاهـگل پـر می کردنـد و روی نـی ها یا چـوب ها را دوبـاره بـا گل انـدود مـی نمودند تـا دیوار کامل شـود، سـپس روی گل را دوبـاره بـا گـچ انـود می نمـوده اند. سـقف ایـن سـاختمان ها دو شـیبه بـوده و بـا توجه به آب و هـوای ایـن منطقه سـقف هـا را با آهـن گالوانیزه (حلـب) و بـه صـورت زیرشـیروانی می سـاخته اند. این منـازل، دارای یـک ایـوان چوبـی بـا پلـکان چوبـی می باشـند. دارای دو اتـاق کـه هریـک بـه بیـرون درهـای جداگانـه ای دارنـد؛ هـر یـک از این اتاق ها بـا در میانی کـه بـه آن «آراقاپی araqapi» مـی گوینـد به هـم راه دارنـد. ضخامـت دیوارهـای خانه هـای چوبـی را ضخامـت الـوار چارچـوب بنـا تعییـن می کنـد؛ چراکه چوبهـا و یـا نی هایی که دیوار را تشـکیل مـی دهند به صـورت اریب بـه این الوارهـا متصل می شـوند. همانند آلاچیق هـا درون ایـن خانه هـا نیـز مـی تـوان کمـدی را یافـت کـه لباس هـا و وسـایل گوناگـون را داخلـش مـی گذارنـد و بـر روی ایـن کمد رختخواب هـا را جای مـی دهنـد. ارتفـاع ایـن کمد که بـه آن «اشـکاف» می گویند معمولاً یک متر اسـت و طولش دو و نیم تا سـه متر. خانه هایی که در اوایل یکجانشـین شـدن، ترکمن هـا بـرای خـود می سـازند خانـه هاییسـت کوچـک با اتاقهـای کـم و غالبـاً در کنـار آلاچیقـی کـه ترکمن ها سـال هـا بـدان عـادت کـرده بودنـد، به مـرور زمـان و بـا رفـت و آمدهایـی کـه شـاه و درباریـان بـه مناطـق ترکمـن صحرا داشـته اند؛ سـاخت خانه هـای چوبی دو طبقـه و سـه طبقـه بـه خصـوص در منطقه گمیشـان گسـترش یافـت. برای هـر اتاق در نمای جلـو دو پنجره تعبیـه شـده اسـت، در نمـای شـرقی نیز برای هـر اتاق دو پنجـره تعبیـه کـرده انـد. در ورودی سـاختمان در طبقـه اول در واقـع در راهروییسـت که طبقـه اول را به دو قسـمت تقسـیم می کنـد، این راهـرو در انتها نیز به در دیگری مشـابه در ورودی اصلی سـاختمان ختم می شـود. در هر سـمت این راهرو سـه اتاق وجـود دارد که خانـواده هـا هنوز در آنهـا زندگی می کننـد. طبقه اول سـاختمان از طریـق پلکانی چوبی که در قسـمت غربی سـاختمان وجـود دارد بـه طبقـه دوم وصـل می شـود. ایـن پلـکان دارای نرده های چوبیسـت کـه فرم تزیینی خاصـی بـدان داده انـد. در انتهـای پلـکان دری چوبـی قـرار دارد کـه معمـولاً شـب ها بسـته می شـود. طبقه دوم در ایـن سـاختمان هـا دو نوع اسـت. در نوع اول در ورودی در همـان سـمتی قـرار می گیرد کـه در ورودی طبقـه اول قـرار داشـت و طبقـه را بـه دو ضلع شـرقی و غربـی تقسـیم مـی کند. در نـوع دوم درهـای ورودی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

یکـی در سـمت غرب و دیگری در سـمت شـرق تعبیه شـده انـد و راهـرو، طبقـه را بـه دو قسـمت شـمالی و جنوبـی تقسـیم می کنـد. در خصوص معماری سـنتی مناطـق ترکمـن، اطلاعات مکتوبی در دسـت نیسـت و پژوهـش علمی جامـع و مانعی در این خصوص توسـط متخصصیـن امـر صـورت نگرفتـه اسـت، چنانچـه تنها اشـاراتی مختصـر در برخی کتب مربوط بـه قوم نگاری همـراه بـا اطلاعاتـی کلـی در ایـن مـورد وجـود دارد (لوگاشـوا، ۱۳۵۹) و (شریعت زاده، ۱۳۶۶). ترکمن های ایـران در سـه ناحیـه کوهسـتانی، دشـتی و همـوار و سـاحلی زندگـی مـی کننـد کـه بـر حسـب نـوع آب و هـوا، گاهـاً دیـده می شـود، ترکمـن ها پس از اسـکان بـه سـاخت گونه های مختلفـی از مسـکن پرداخته اند. چهـار گونـه مسـکن در ایـن مناطق شـناخته شـده اند کـه در ایـن تحقیـق بـه سـاخت بنـای منـازل چوبـی سـاحلی (Tām) در گمیشـان اشـاره می شـود:

۱. یورت (آلاچیق ترکمنی) (Oy)؛
۲. منازل چوبی ساحلی (Tām)؛
۳. منازل چوبی و آجری؛
۴. منـازل گلـی و سـنگی مـورد اسـتفاده در مناطـق کوهسـتانی.

الـف- شـیوه های اسـتقرار آلاچیـق هـای ترکمنـی (مسـکن پیشـینی)، تام هـای ترکمنی (مسـکن میانی) و مسـاکن جدید (مسـکن پسینی): مسـکن ترکمنها را جـدای از تقسـیم بندی به واسـطه مولفه هـای اقلیمی و یـا مـوارد مشـابه، در حوزه تاثـرات بافـت اجتماعی و مولفـه هـای فرهنگـی می توان بـه دوره های سـه گانه مسـکن سـنتی، مسـکن میانی و مسـکن جدید (مدرن و رایـج) تقسـیم بنـدی کـرد. در ایـن رابطه باید اشـاره داشـت کـه ترکمنهـا پدرتبار هسـتند. آنها قبـل از قرن بیسـتم دارای خانواده های گسـترده بسیار بزرگ با یک رئیـس خانـواده (پدر) مقتدر و مسـتبد بودند. در ضمن جامعه ترکمن جامعه ای شـبانی اسـت و دارای ساختار ایلـی می باشـد. در این سـاختار آنچه اهمیـت می یابد، روابـط عشـیره ای و خانوادگـی در یـک ایل می باشـد. بـه دیگـر سـخن، یـک ایـل مجموعـه ای از واحدهـای اجتماعـی اسـت که از پیوسـتن خانوارهایی هم نسـبت بـه وجـود مـی آیـد؛ بنابراین تبـار و خویشـاوندی یکی از عوامـل مهـم این نظام اسـت و تقسـیم اجتماعی کار در نـزد ایشـان نیـز در قالـب همین سـازمان خانوادگی شـکل یافته اسـت. بنابراین شـیوه سـکونت با مرکزیت بزرگ طایفه و پدرسـالاری در شـیوه اسـتقرار اوی های ترکمن ها مشـهود اسـت. لکن در مسـاکن جدید، نظام اسـتقرار هیـچ ارتباطی بـا بافت اجتماعـی و مولفه های فرهنگی ترکمنهـا ندارد.

ب- الگوهای گسـترش فضایی مکان گزینی آلاچیق های ترکمنی (مسـکن پیشـینی)، تام های ترکمنی (مسکن میانی) و مسـاکن جدید (مسـکن پسـینی): در رابطه با الگوهـای گسـترش مکان گزینـی تامهـای ترکمن، می تـوان بـه سـه الگـوی جـدای از هـم در تقریبـاً تمامـی مناطق اشـاره داشت:

۱- **«الگـوی گسـترش پراکنـده»**: ایـن الگـوی گسـترش بیشـتر در تام هـا و قرناوه ها دیده می شـود. همچنیـن تنهـا در آلاچیق هـا زمانی که محـدوده یک طایفـه با طایفـه دیگر، خانـواده یک عشـیره در صورت فـوت پـدر خانـواده و یا برخـی از منازعـات درون قبیله ای و اختلافـات خانوادگـی از هـم جـدا شـده و یا روی مـی دهـد، مبنـای پراکنـش فضایـی مـکان قرارگیری پراکنـده بـه بنظر می رسـد. واضح اسـت کـه دلیل آن را بایـد از بین رفتـن همان بافتار اجتماعـی (نوع روابط و همبسـتگی درونـی و طایفـه ای) متصور شـد.

۲- **«الگـوی گسـترش مرکـزی»**: در نمونـه هـای قدیمـی آلاچیـق های ترکمنـی بنا بـه مصاحبه صورت گرفتـه بـا پیران و سـالخوردگان محلی، نحوه گسـترش بـه صـورت مرکـزی و حـول پـدر خانـواده و یـا بـزرگ عشـیره و قبیلـه بـوده اسـت. دلیل ایـن امر نـوع روابط حاکـم بیـن افـراد قبیلـه و عشـیره، سـاختار اجتماعی آنهـا کـه پدرسـالاری و عشـیره محـوری بـوده اسـت و احتـرام گذاشـتن بـه سـالمندان و قوانیـن اجتماعـی عشـیره و قبیلـه بـوده اسـت. لـذا مرکزیـت در اوی هـا و محصوریـت در تـام هـا بیشـتر بـه عنوان یـک الگوی رایـج دیـده می شـود.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

۳- **«الگوی گسترش نواری و تجمعی»**: در برخی از مناطق و بالاخص در مسکن دوره های میانی و تام های ترکمنی الگوی گسترش کالبدی مسکن، از توسعه نواری استفاده شده است. مبنای این گسترش بصورت خطی حول یک محور مستقیم و گهگاه یک کمربندی می باشد. در بیشتر مواقع نیز نظمی فاحش در این چیدمان فضایی دیده نمی شود. در هر حال، الگوهای دوره های میانی بیشتر با این مضمون درگیر بوده و دوران جدید بطور تقریبی شبیه دیگر مناطق ایران، و دوران ساخت و ساز مدرن بصورت مجتمع های مسکونی جدید، الگوها و ضوابط حاکم بر شهرداری، و بر اساس مجوزهای صادره از این نهاد و در دیگر موارد، دیگر ساختارهای نظارتی معماری در انطباق و شباهت با دیگر مناطق ایران می باشد.

پ- ارتباط و همبستگی با طبیعت پیرامونی آلاچیق های ترکمنی (مسکن پیشینی)، تام های ترکمنی (مسکن میانی) و مساکن جدید (مسکن پسینی)

اقوام ترکمن در زندگی کوچ نشینی خود دارای آداب و رسوم و نوع زندگی خاصی بوده اند که با یکجانشینی این آداب و رسوم را به خانه ها و محیط روستایی یا شهری خویش منتقل کردند. اصیل ترین منزلگاه ترکمنها، آلاچیق شان می باشد که در دوره دامداری و کوچ نشینی مأمن و پناهگاه ایشان شمرده می شد. لذا برای اقوام ترکمن، طبیع اولین مادر و در واقع اولین خانه به حساب می آمده است؛ چنانچه تا مدتهای مدید مفهوم طبیعت و محیط پیرامون صحرا، خانه و محل سکونت اصلی تصور می شده است. ترکمنها اعقادی راسخ به همنشینی با طبیعت اطراف داشته که به گونه ای همبستگی اعتقادی بدل شده است و بعد از نهادینه شدن در باور آنها به مدت های مدید نوع و شیوه های زیستی آنها را در «زندگی مسالمت آمیز با طبیعت» رقم زده است. حتی در جابجایی از یک محل به محل دیگر، که بواسطه نوع شغل دامداری آنها بوده است نیز این ارتباط و همبستگی با طبیعت دیده می شود. گویا برای هر طایفه یک عشیره، قبیله و یا حتی یک ابه، این ارتباط و همزیستی با زیست بوم اصلی ترین نیاز از لحاظ باورهای اجتماعی و فرهنگی بوده و در سطوح تصورات آنها، به توقعاتی رسیده که در پاسخگویی به مقوله اسکان، خود را در معماری مسکن آنها به عنوان یک شیوه و الگوی مسکن بومی نشان داده است.

ت- **«نحوه شکلگیری دیاگرام عملکردی مسکن و فعالیتهای اقتصادی و معیشتی»**: مسکن ترکمنها با نوع معیشت آنها ارتباط مستقیم دارد و نظام تولیدی آنها بر شکل و عملکرد واحدهای مسکونی شان تأثیر گذاشته است. مسکن نه تنها محل آسایش افراد است، بلکه محل نگهداری دام، انبار آذوقه، محل تهیه مواد لبنی و غذایی، انبار گندم و جو و جایی برای تولید صنایع دستی (نمدمالی، حصیربافی، قالی بافی، سوزن دوزی و...) نیز می باشد. به خاطر این عملکردها واحد مسکونی ترکمن های دامدار یعنی «اوی» دارای ویژگی های بسیاری است که بطور مثال: قابلیت برپایی و جمع کردن آنها، و سهولت ساخت و حمل و نقل پذیری، و موارد مشابه نشان از همین ارتباط دارد. در تامهای ترکمن نیز محدوده ای که مثلاً انبار یا محل نگهداری دام ها یا محل پخت نان و مشابه آن است یک حوزه فعالیتی است که باعث شکلگیری یک ریزفضای عملکردی در قالب یک نمودار عملکردی (حبابی، عمودی و افقی) می شود که کاملاً در نحو فضایی تام های ترکمنی مشهود است. ولی در دوران جدید هیچ ارتباطی با شیوه های اقتصادی و معیشتی دیده نمی شود و متاسفانه مسکن جدید مطابق مناطق دیگر بصورت رایج بوده و حتی در نسل جدید توجه بیشتر و ویژه ای به عناصر مدرن مسکن (آشپزخانه اُپن، اتاقهای مستر، شیشه های یکپارچه و از بین رفتن محرمیت فضایی) دیده می شود.

ث- **«عناصر فضایی مسکن»**: ساخت آلاچیق ها، مراسم همراه آنها، تزیینات داخلی آلاچیق ها،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

نـوع خـاص زندگـی ترکمـن هـا را نشـان می دهـد؛ با یکجانشـین شـدن و آغـاز کارخانـه سـازی ترکمـن ها، بـاز مـی تـوان نشـانه هایـی از آلاچیـق ترکمنـی را در خانـه هـای روسـتایی نیـز یافـت؛ فضـای بـدون دیـوار اولین خانه های سـاخته شـده در سـاحل دریـای خزر، در منطقـه گمیشـان، خواجـه نفـس و بندرترکمـن، منازلـی بـا اتـاق هـای محـدود و فضاهـای بـاز و بدون تقسـیم بندی بـرای حریـم خصوصی افـراد، آویزه های روی دیوارهـا کـه در آلاچیـق هـا مـورد اسـتفاده قـرار مـی گرفـت، کمدهایـی کـه روی آنها رخت خـواب می گذاشـته انـد، همـه در منازلـی کـه اکنـون ترکمـن ها سـکونت دارنـد کمابیش به چشـم مـی خورنـد. در تام هـای ترکمـن الگـوی سـازمان فضایی و عناصـر فضایی آنهـا متفاوت اسـت. مهمتریـن ویژگی سـازمان فضایی آنهـا حضـور همزمـان سـه گونـه فضایـی باز (حیـاط)، نیمـه بـاز (ایـوان و تـلار) و بسـته (اتـاق ها) می باشـد. هـر یـک از ایـن فضاها بر حسـب نـوع معیشـت حاکم و روابـط اجتماعـی و نزدیـک سـاکنین با همسـایگان و اقـوام، فضاهایـی پر کاربرد و همیشـه سـرزنده بوده اند.

در هـر حـال مـی توان بـه تفصیـل گفت:

۱- «**فضـای بـاز و نیمه باز**» (حیـاط و تـلار): حیاط و تـلار دو عنصـر فضایـی جدایی ناپذیـر در این مناطق بـه حسـاب مـی آینـد کـه بـه دلیـل انجـام فعالیتهای روزمـره زندگی (دامپروری، آشـپزی و پخـت و پز نان و اصطبـل و نگهداری احشـام) از پویایـی خوبی برخوردار هسـتند؛ چناچـه مسـاکن سـنتی ایـن مناطق بـر روی پایـه هایـی سـاخته مـی شـوند، در برخـی از طـرح ها ایـن پایـه ها بـه قـدری بلند انتخـاب می شـوند که در زیـر بنـا فضایـی خالی باقی مـی ماند. از این فضـا گاهاً بـه عنوان محل نگهداری حیوانات اسـتفاده می شـود و در برخـی مـوارد به عنوان انبار یـا کارگاه قالیبافی برای زنـان مـورد اسـتفاده دارد. امـا غالبـاً محـل نگهـداری حیوانـات و کارگاه هـا یـا انبـار علوفه جدا از بنا سـاخته مـی شـوند. در کنـار برخی سـاختمان ها مکانـی به نام تـلار (Telar) وجـود دارد کـه به عنوان محل آسـایش تابسـتانی مورد اسـتفاده قـرار می گرفته اسـت و دارای پایـه هـای بلنـدی از چوب اسـت که در زیـر آن محلی بـرای نگهـداری دام هـا در نظر گرفته می شـده اسـت.

۲- «**فضاهـای بسـته**»: فضاهـای داخلـی از یـک یـا چند اتاق، آشـپزخانه و سـرویس بهداشـتی تشکیل می شـده اند. ایـن فضاهای بسـته چند عملکردی هسـتند کـه تمـام فعالیتهـای یک خانـوار از قبیل غـذا خوردن، خوابیـدن، دور هـم نشـینی و معاشـرت خانوادگـی در آنهـا انجام می شـده اسـت. وجـود تاقچه هـای کوچک بـرای اشـیاء و عناصـر تزیینـی و لـوازم کاربـردی و دکـوری، گنجـه هـای بـزرگ در دیـوار بـرای لبـاس

تحلیل ساختاری تامهای ترکمنی: ماخذ: برداشت میدانی نگارنده رساله، ۱۳۹۲

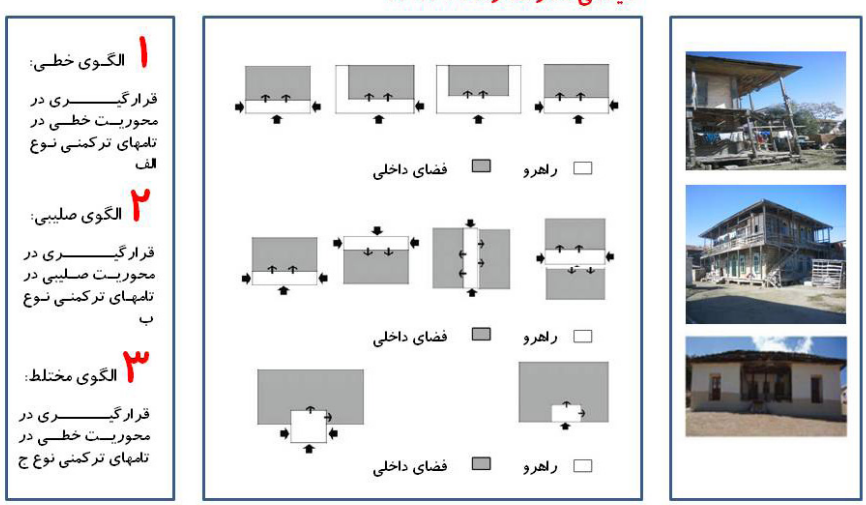

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

تحلیل ساختاری تامهای ترکمنی؛ ماخذ: برداشت میدانی نگارنده رساله، ۱۳۹۲

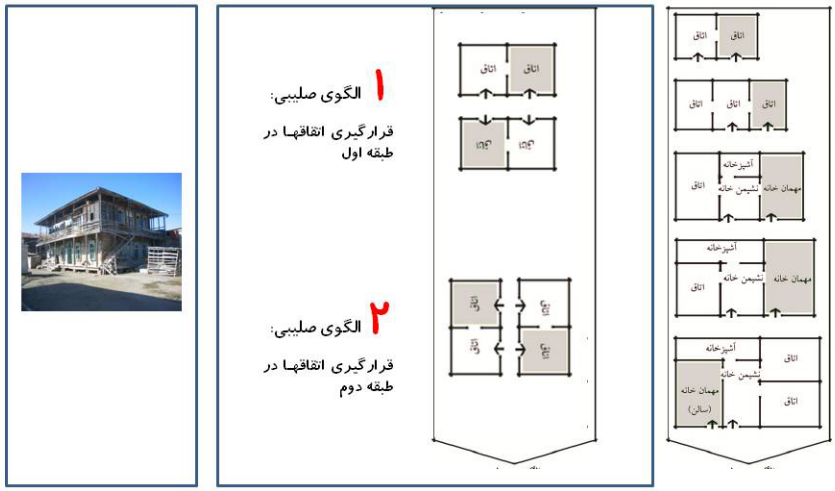

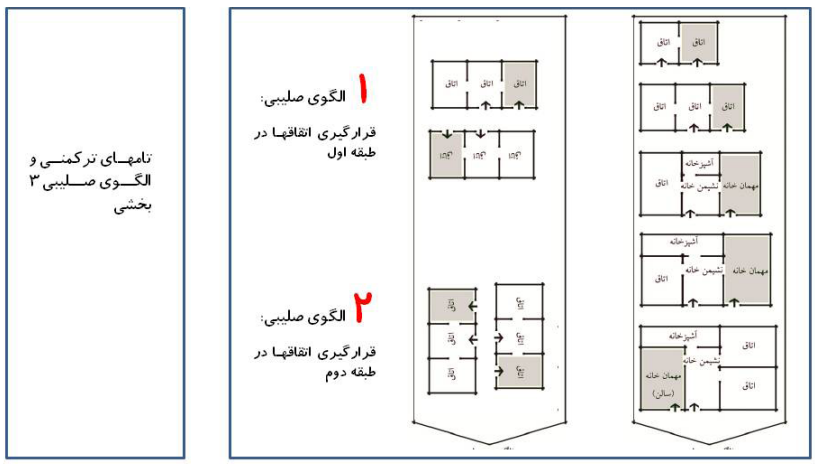

یا رخت خواب، پشتی ها و تشکچه های متعدد برای نشستن در اتاقها از دیگر نکاتی است که در طرح این فضاهای بسته دیده می شود. در تامهای ترکمنی برای هر اتاق طبقه اول در نمای روبرو، دو پنجره تعبیه می شده است که در نمای شرقی نیز برای هر اتاق دو پنجره تعبیه شده است. درب ورودی ساختمان در طبقه اول در واقع در راهرویی است که طبقه اول را به دو قسمت تقسیم می کند. این راهرو در انتها نیز به درب دیگری مشابه درب ورودی اصلی ساختمان ختم می شود. در هر سمت این راهرو سه اتاق وجود دارد که خانواده ها هنوز در آنها زندگی می کنند. طبقه اول ساختمان از طریق پلکانی چوبی که اغلب در قسمت غربی ساختمان قرار می گرفته است، به طبقه دوم وصل می شود. این پلکان دارای نرده هایی چوبی است که فرم تزیینی خاصی بدان داده اند. در انتهای پلکان دربی چوبی قرار دارد که معمولاً شبها بسته می شود.

ج- «**سازمان فضایی مسکن ترکمن**»: در تامهای ترکمن سه گونه سازمان فضایی دیده می شود که بر شیوه فعالیتهای درونی خانه تاثیر گذاشته است. گونه اول، الگوی خطی است که حول یک راهرو مرکزی چیدمان فضایی اتاقها واقع شده است و مبنای گسترش فضا، همین مرکزیت محوری بوده است. گونه دوم، الگوی صلیبی است که که مبنای آن مفصل ارتباطی راهرو در طبقه اول بصورت شرقی- غربی و در طبقه دوم بصورت شمالی- جنوبی است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

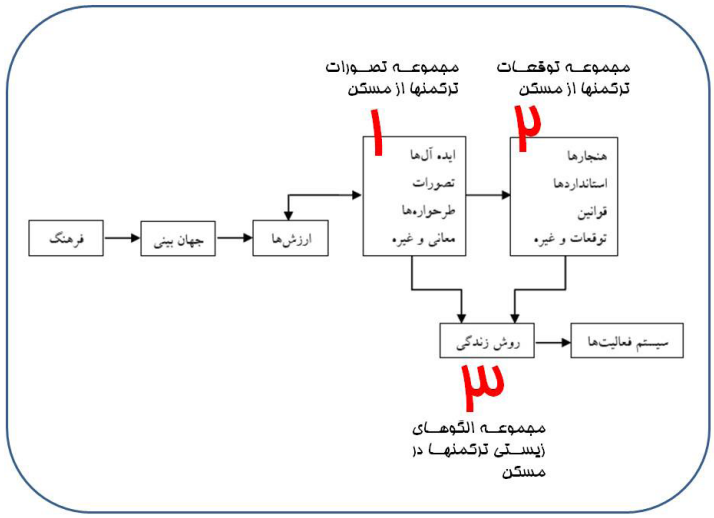

نمودار ۱. تاثیرات و تاثرات فرهنگی بر مسکن بومی ترکمن؛ ماخذ: یافته های پژوهش.

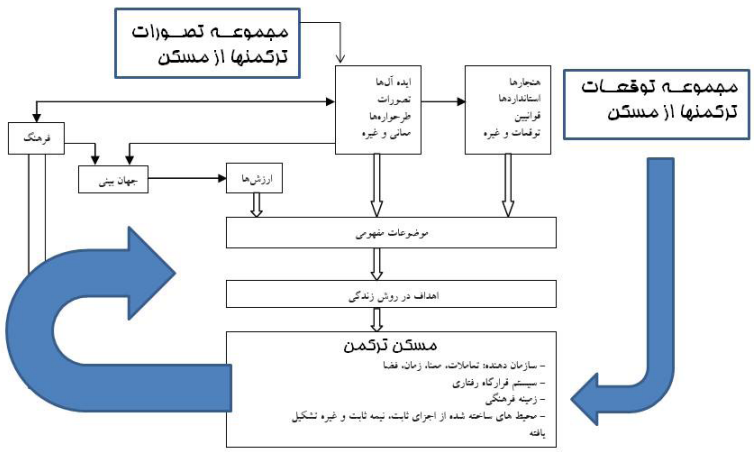

نمودار ۲. روش زندگی و الگوهای زیستی و تاثیر آن بر ماهیت مسکن ترکمنها؛ ماخذ: نگارنده.

همچنین پلکان در منتهی الیه جنوب شرقی و گاهاً شمال غربی می باشد. گونه سوم، نوع مختلط در خانه های گلی نواحی قرناوه است که شرح تفصیلی سازمان فضایی آن در نمودار تحلیلی مجاور شرح داده شده است.

نتیجه گیری و جمعبندی

فرهنگ ساخت و چگونگی اجرای بنای تام ترکمنی، طی سال ها اسکان این قوم به صورت سنت در میان آنها باقی مانده است و با اقلیم و کارکردهای معیشتی این نواحی همساز و همگون شده است و حتی می توان گفت، طرح این نوع ساختمان ها به نوعی در ساختمان هایی که امروزه در این مناطق ساخته می شوند، تأثیر گذارده است. اگر چه امروزه بسیاری از فعالیت های اقتصادی و نوع فرهنگ سنتی در میان ترکمن ها در حال کمرنگ شدن می باشند، اما برخی از عناصر فرهنگی و اجتماعی مؤثر در ساختمان سازی این قوم را می توان نمونه ای بدیل از هنر ساخت مسکن بومی این خطه از سرزمین ایران بشمار آورد. از سویی دیگر ساخت سکونت گاه های سنتی ترکمن ها پس از یکجانشین شدن را می توان متأثر از فرهنگی دانست که در طی قرن ها در انطباق با اقلیم و جغرافیای

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

بومـی و محلـی حاصـل شـده اسـت در عیـن حالی که مجـاورت ایـن اقوام با همسـایه شـمالی ایران، شـوروی را نیـز نمـی تـوان در سـاخت این نـوع سـکونت گاه ها بـی تأثیـر دانسـت. در دوران مدرن نیز تفاوت فاحشـی در شـیوه های زیسـتی و سـکونتی اقـوام ترکمـن دیده می شـود کـه در مقایسـه بـا دوران سـنتی قابـل قیاس نیسـت. تغییـرات در همگنی اجتماعـی، تجانس و عدم تجانـس هـای فرهنگـی، مظاهـر و نمودهـای اخلاقـی، الگوهـای معاشـرتی و حلقـه هـای اجتماعـی و حتـی میـزان اجتمـاع پذیـری و اداب و رسـوم زندگـی نیـز نشـان از ایـن تحـولات دوران مـدرن و پسـامدرن دارد؛ چنانچـه مطابـق بـا همه جـای دنیـا و مناطق ایـران در حال حاضر، شـناخت تاثیـرات مدرنیتـه و فرایندهایش بـر الگوهـای سـکونت و فرهنگ خانـه در تمـام جوامع بخصـوص کشـورهای در حال توسـعه بسـیار پیچیده و دشـوار شـده اسـت؛ زیـرا در نتیجـه تحـولات مـدرن و گسـترده فرایندهـای ارتباطـی بیـن ملت هـا و ادغام و اشـاعه فرهنـگ ها در یکدیگر، دیگـر فرهنگ آن کلیت منسـجم و یکپارچه ای نیسـت که انسـان شناسـان در قبایـل و اقـوام کوچـک سـنتی مشـاهده و مطالعـه می کردنـد. همچنیـن مـی توان اشـاره کـرد کـه در زمینه تاثیـرات فرهنگـی بر کالبد مسـکن بومـی ترکمنها باید اذعـان داشـت کـه فرهنـگ بـه شـکلگیری و ترسـیم مفاهیـم جهـان بینـی و نـگاه انتولوژیـک از هسـتی و محیط منجر می شـود و سـپس مجموعه ای از ارزشـها را در ۲ بخـش عمـده شـکل مـی دهـد. ایـن دو بخش عبارتند از:

۱. مجموعـه ای از «تصـورات ترکمنهـا از مسـکن» مشـتمل بـر ایده آلهـا، تصـورات، طرحـواره هـا، معانی و مشـابه آن؛

۲. مجموعـه ای از «توقعـات ترکمنهـا از مسـکن» مشـتمل بـر هنجارهـا، اسـتانداردها، قوانیـن و توقعات و مشـابه آن.

بـه واقـع بایـد گفـت کـه فرهنـگ بطـور عـام باعـث شـکلگیری نحـوه نگـرش بـه محیـط و عالـم هسـتی و زندگـی مـی شـود. ایـن نـگاه بـه زندگـی و جهـان شـکلدهنده مجموعـه ای از ارزشـهایی اسـت کـه در ایـده آلهـا و تصـورات انهـا بروز مـی یابد و باعـث ایجاد مجموعه ای از توقعات از مسـکن مطلوب می شـود که بایـد در اسـتانداردها و قوانیـن طراحـی و سـاخت بروز یابـد. در انتهـا همه این موارد سـبک زندگی و الگوهای زیسـتی ترکمنهـا را رقـم مـی زند.

در رابطـه بـا نحـوه احـراز هویـت در معماری مسـکن و چگونگـی پیوسـتاری فرهنـگ و شـناخت شناسـی اجتماعـی و معمـاری می تـوان به اهم موارد زیر اشـاره داشت:

۱. «پدیده هـای شـناختی منتـج از مطالعـات فرهنگی اجتماعـی مسـکن ترکمـن»: چنانچـه در نمـودار زیـر مشـاهده مـی شـود، فضـای زیسـتی مسـکن ترکمـن بـر دو گونـه فضـای طبیعـی و فضـای مصنـوع (انسـان سـاخت) تقسـیم بنـدی مـی شـود کـه بنـا بـه ماهیت بالفعلـی و بالقوِگـی، حـدود و ثغور متفاوتـی را دربر می گیرنـد. برخـورداری از فضاهـای ارگانیـک و طبیعـی و چشـم اندازهای کیهانـی و رمانتیک موجـود در منطقه (بـه قول تقسـیم بندی نوربری شـولتز)، امـکان ارتباط معنایـی کارامـد بـا محیـط را فراهـم مـی کنـد کـه ریشـه در طبیعـت گـردی و فرآیندهای سـبک زندگی ترکمنهـا در نـوع و شـیوه های زندگی دامـداری و کوچ نشـینی دارد کـه امـروزه خـود را در طراحـی مسـکن جدیـد مناطـق ترکمن نشـین شـمال ایـران و بالاخص ترکمـن صحرا و گمیشـان نشـان مـی دهد. نکتـه قابل تامـل بـار روانشـناختی و رفتـاری ترکمنها در اسـتفاده از ایـن گونـه های مسـاکن بومی اسـت؛ مثلاً بـه عنوان اشـاره مـی تـوان گفـت کـه ترکمنهـای اصیل هنـوز با وجود سـاخت تامهای ترکمنـی، در آلاچیق (اوی) های خـود زندگـی مـی کننـد و بنـای جدیـد مسـکن تنهـا بوسـیله نسـلهای جدیدتر و یـا به عنوان مـکان مهمان در نظـر گرفتـه شـده اسـت. همچنیـن بایـد گفـت که مسـکن بومـی ترکمنهـا بیشـترین برگـردان معنایی را در پدیده هـای مفهومـی و اجتماعی دارد که بر اسـاس مشـاهدات میدانـی از محیـط مربوطه قابـل درک بوده است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

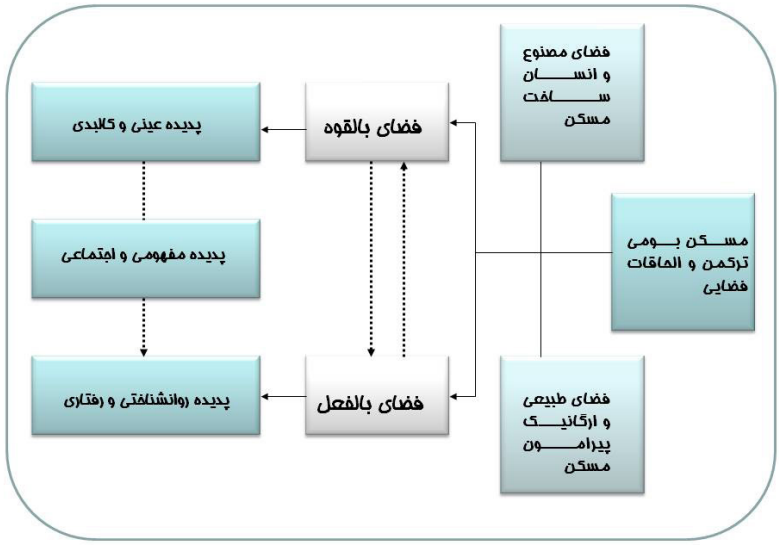

نمودار ۳. انواع فضا (مسکن بومی ترکمن) و پدیدارهای ماحصل آن در حوزه مطالعات فرهنگی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات پژوهش.

۲. «معیارها و مولفه های تاثیرپذیری مسکن از فرهنگ اقوام ترکمن»: در این باب باید به دو مولفه فرم و عملکرد اشاره کرد که در: ۱. معنا (معنا سکنی گزینی اقوام ترکمن و معیارهای کالبدی و معماری مسکن بومی)، ۲. انسان (باورها، رسوم و عقاید و تغییرات اجتماعی و فرهنگی در بره های تاریخی)، ۳. رفتار (فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و معیشتی اقوام ترکمن و تغییرات آنها در طول تاریخ و نحوه تاثیرگذاری این فعالیتها یا تغییرات آنها بر کالبد معماری و مسکن ترکمنها) بروز یافته است.

۳. «مولفه های تغییرپذیری مسکن ترکمن در تاریخ»: چنانچه در مطالب قبلی اشاره شد، مولفه های دینی و ارزشی و حکومتی و فرهنگی- اجتماعی در تغییرات مسکن ترکمنها تاثیراتی شایان داشته است. یعنی باید گفت نوع باورها و عقاید ترکمنها در تاریخ و نوع و شیوه زندگی آنها از کوچ نشینی تا یکجانشینی اجباری، نوع سیاستهای حکومتی مربوط با تخته قاپو کردن عشایر در دوره شاهنشاهی، و حتی نوع معیشت و شرایط زیستی آن در ماقبل زندگی روستایی به دوره های شهرنشینی، همه و همه، مثالهای بارزی از تغییرات ویژه ای هستند که اثرات خود را در شیوه سکونتی بعدی و مسکنی که بعد از این تغییرات رواج یافته است نشان داده است.

۴. «ارتباط هویت (فضامندی)، معنا و کالبد در مسکن ترکمن»: یکی از نکات قابل تامل در این رابطه نحوه ارتباط همزمان کالبد مسکن ترکمن با معنای برخواسته از آن در نزد اقوام ترکمن و احراز مفهوم ماهوی و هویتی است که در طول زمان در متن مکان (مسکن) این اقوام شکل گرفته است.

۵. «فرآیند حس مکان در مسکن بومی ترکمن و مولفه های فرهنگی- اجتماعی»: همانطور که در نمودار زیر دیده می شود، برانگیزش های عاطفی و درونی نسبت به قومیت و فرهنگ ترکمنها به بروز فعالیتهای معیشتی و آداب و رسوم زیست جمعی خاصی منتج می شود که تاثیرات خود را به صورت کدهای اطلاعاتی در دریافت و پردازش اطلاعات هویتی و ماهوی و نحوه استنباط و ادراک محیط نمایان می سازد و در نهایت تاثیرات خود را بر مسکن و یا در استحاله و تغییرات مسکن ترکمنها در طول تاریخ نمایانگر می سازد.

۶. «کاراکترهای مسکن ترکمن منتج از تغییرات فرهنگی- اجتماعی»: این دسته کاراکترها لزوماً ماهیت شناسا ندارند، در عین حال اکیداً و صرفاً اکیداً نباید آنها را معنایی- محتوایی دانست؛ قس علیهذا

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

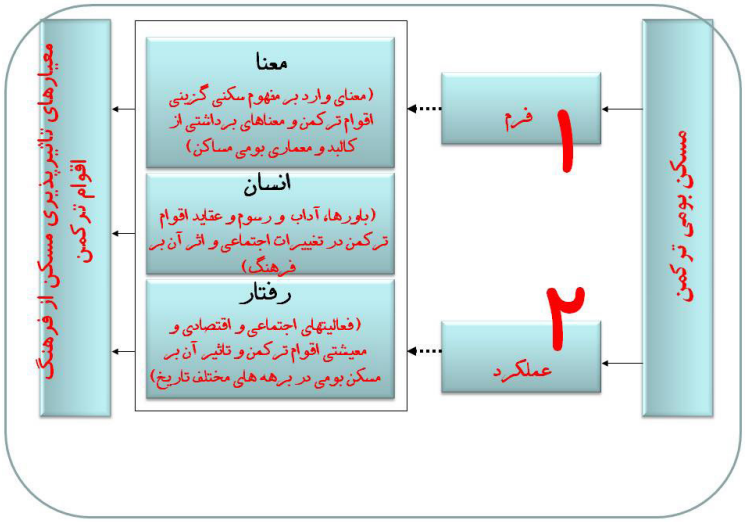

نمودار ۵. معیارها و مولفه های تاثیرپذیری مسکن از فرهنگ اقوام ترکمن؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات پژوهش.

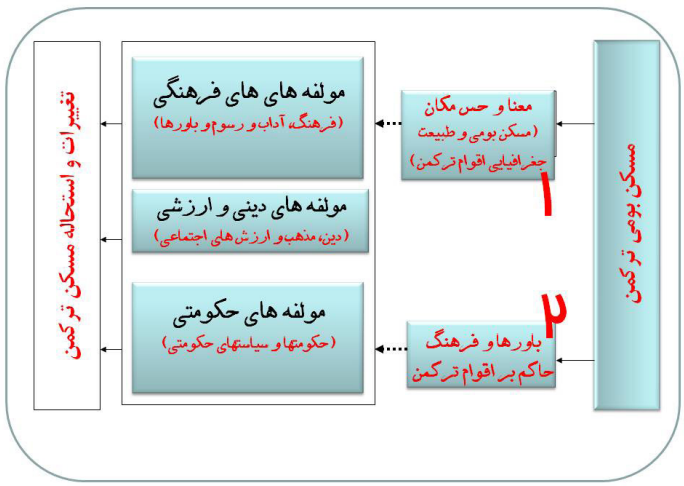

نمودار ۶. مولفه های تاثیرپذیری مسکن از فرهنگ اقوام ترکمن؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات پژوهش.

در انواع طبیعی، معنایی و انسانی بروز می کنند. طبیعت به عنوان اولین مسکن ترکمنها کاراکتر ارزشی عمده ای در گونه های زندگی ترکمنی بشمار می رود. مواریث و ماترک فرهنگی اقوام ترکمن در طول تاریخ بالاخص با توجه به اقلیت پنداشته شدن آنها در سرزمین ایران و میل شدید آنها برای پایدار نگه داشتن باورها و اداب و رسوم و هنجارهای سنت گذشته از سویی دیگر، شکلواره دومین کاراکترهای مربوط به فرهنگ اجتماعی زیست جمعی ترکمنها را شکل داده است. در نهایت مولفه های عام زیبایی شناختی و مطلوبیت های فرهنگی این اقوام سومین کاراکترهای مسکن ترکمنها را شکل داده است که در نمودار زیر مورد اشاره قرار گرفته است.

۷. «ابعاد شناختی تعامل فرهنگ و معماری مسکن ترکمن»: باید گفت که فعالیتهای معیشتی و اقتصادی و نوع سبک زندگی ترکمنها مهمترین تاثیر را بر چرایی و چگونگی مسکن ترکمنها داشته است؛ چنانچه زندگی اقوام ترکمن در مسکنهای

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

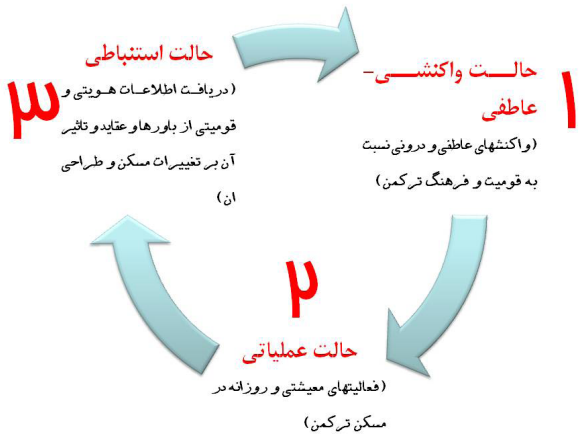

نمودار ۸. حس مکان در مسکن بومی ترکمن و مولفه های فرهنگی- اجتماعی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات پژوهش.

بومی خود دلیل اول چرایی شکلگیری مسکن بومی ترکمن می باشد که یافته های پژوهش حاضر نیز بر آن صحه گذاشته است. در مرتبه دوم فرم و کالبد معماری مسکن ترکمنها در مولفه های مقیاس، ابعاد و تناسب و انعطاف پذیری ارتباط نزدیکی به فرهنگ رایج اقوام ترکمن داشته است؛ چنانچه فرم و شکل آلاچیقها، تناسبات و ابعاد آنها و انعطاف پذیری آنها در ساخت و جمع آوری سریع نیز بر این نکته و نوع سبک و الگوهای سکونتی و شیوه های زندگی ترکمنها اشاره داشته است. در مرحله سوم، تصورات و خاطرات، خوانایی، ادراک و تجربه حسی نیز در حوزه مولفه های شناختی فرهنگی مسکن ترکمنی از اهمیتی فزاینده برخوردار بوده است.

۸. «ابعاد نیازها و شکلگیری مسکن بومی ترکمن»: در رابطه با انواع نیازها در رابطه با مسکن باید بطور عام به هرم آبراهام مازلو اشاره کرد. سطوح مختلف نیازها در هرم مازلو از یک طرف و نتایج منتج از مصاحبه های عمیق با ساکنان منطقه به ابعاد نیازهایی مختلفی در رابطه با شکلدهی به مسکن بر اساس نیازهای ساکنان محلی اشاره دارد که در نمودار زیر مورد اشاره قرار گرفته است.

در پایان باید گفت که مقوله فرهنگ مقوله‌ای پیچیده و در عین حال غامض است که درک آن بدون شناخت مولفه ها و متغیرهای مرتبط با آن قدری مشکل و تاحدودی ناممکن بنظر می رسد. در این پژوهش و در انتها برای ارتباط و تعامل سازنده فرهنگ و معماری و رسیدن به جایگاه ارزنده برای مطالعات شناخت شناسانه اجتماعی در طراحی معماری به چند نکته اشاره می شود:

۱. «ضرورت شکل دهی سازماندهی اجتماعی فضا»: ساختار اجتماعی و فرهنگی هر جامعه به دلیل ماهیت وجودی خود در بستر زمان، دچار تغییر، دگرگونی و حتی تحول است. بدین‌سان مشاهده‌ی تغییرات در فضاهای شهری و معماری، در پی دگرگونی هنجارهای اجتماعی، امری طبیعی است که متعاقب آن در سیمای شهری و به خصوص در کالبد و معماری آن تحولاتی بوجود آمده است. از آنجا که تمدن به‌یکباره به وقوع نپیوسته و ظهور آن تدریجی است؛ بنابراین کالبد زیستی، محل تجلّی حیات مدنی است و نیازمند تداوم این حیات نیز خواهد بود. لذا برای تحقق این تداوم نیازمندی به سازماندهی اجتماعی امری ضروری به نظر می رسد.

۲. «ضوابط و دستورالعمل های طراحی معماری»: گفته شد که دگرگونی‌ها و استحاله های فرهنگی و اجتماعی، نیازهای جدیدی را در کالبد بنای مسکونی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

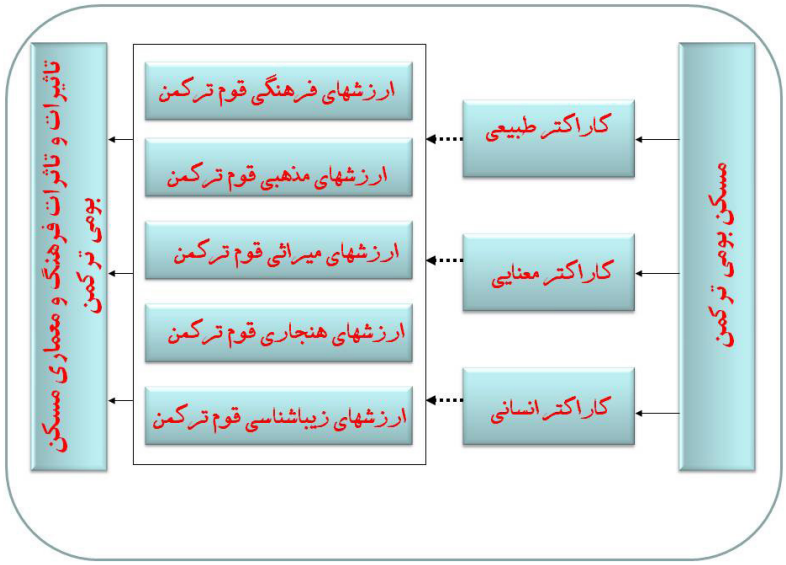

نمودار ۹. کاراکترهای مسکن بومی ترکمن و مولفه های ارزشی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات پژوهش.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

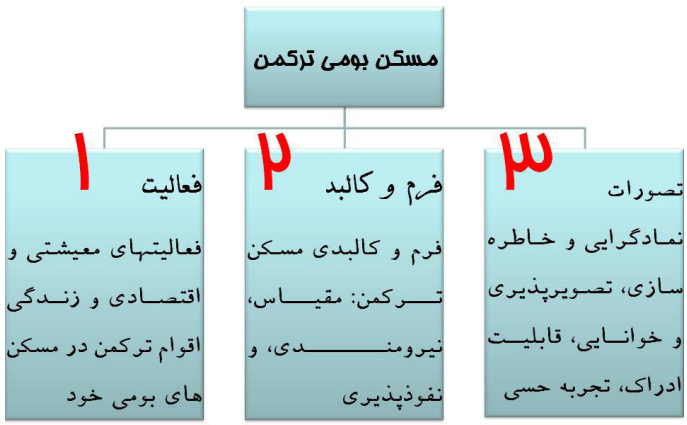

نمودار ۱۰. فرم و کالبد، فعالیت و تصورات و مولفه های فرهنگی- اجتماعی مسکن ترکمنها؛ ماخذ: ترسیم نگارنده بر اساس مطالعات پژوهش.

متولد کرده‌اند که امروزه برای زندگی مناسب در جامعه شهری ناگزیر از پاسخگویی به این نیازها خواهیم بود؛ چنانچه در ارایه ضوابط برای طراحی مسکن در زمان کنونی، به خواسته‌های جدید زندگی که برگرفته از تحول اجتماعی در فضاهای شهری و معماری اقوام خاص توجه کافی مبذول گردد، مسکن بومی و شهری و معماری حاکم بر آن از کارایی مناسب بهره‌مند می گردد. به این ترتیب هم از هدر رفتن سرمایه جلوگیری گردد و هم رفاه نسبی شامل حال شهروندان و ذینفعان می‌شود.

۳. «ضوابط و دستورالعمل های ساخت و اجرا»: لزوم درنظرگیری الگوهای بومی ساخت مسکن که مبتنی بر آداب و رسوم اجتماعی ساخت مسکن در مناطق مختلف کشور است، می توان انتظار داشت تا بیشینه انطباق مسکن و نیازهای فرهنگی- اجتماعی مردم فراهم گردد؛ لذا ضرورت تدوین ضوابط و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

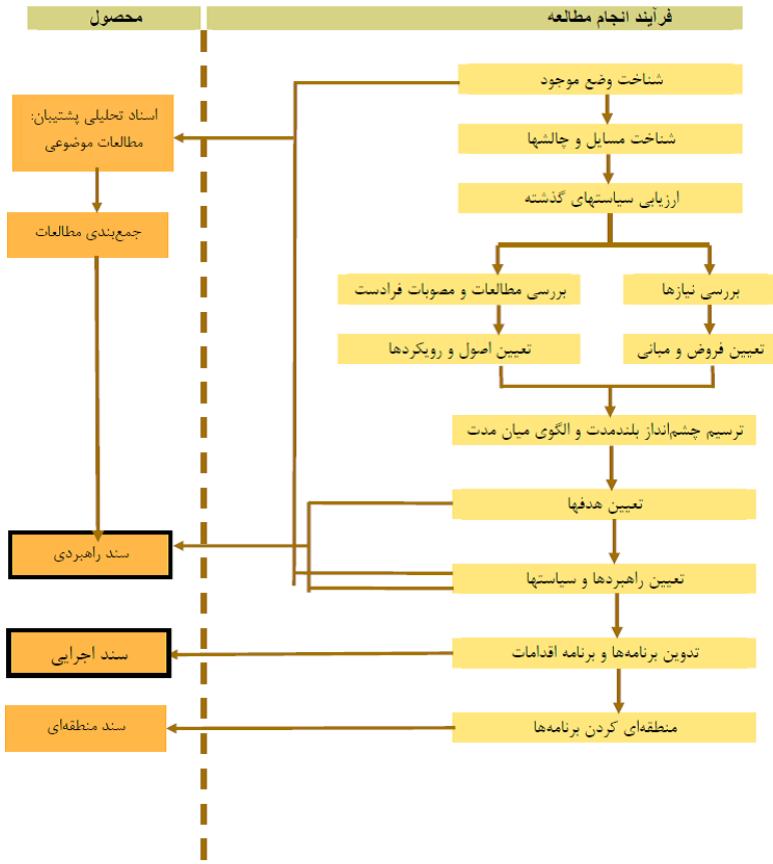

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۳ تابستان ۹۵
No.43 Summer 2016

دستورالعملهای ساخت مسکن در شهرها و روستاهای کشور امری ضروری بنظر می رسد.

۴. «شناسایی کارکرد مفهوم مسکن در قومیتها و مقوله مسکن بومی»: بدین منظور شناخت کارکرد اجزای واحد مسکونی در پی گونه‌شناسی مسکن و تحلیل ویژگی‌های کاربردی آنها در مناطق مختلف و در زمان‌های گذشته و حال، لازم است و باید با وثوق و علم به نیازهای جدید اجتماعی و فرهنگی نسل حاضر، ارایه ضوابطی که منطبق بر دیگر نیازهای موثر در شکل‌یابی مسکن بومی باشد؛ با علم به گریزناپذیری تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای که برای آن طراحی می‌کنند، صورت پذیرد.

۵. «التزام انجام پژوهشها و مطالعات فرهنگی کارآمد در مقوله طراحی و ساخت مسکن»: درنظرگرفتن نحوه تعامل سازنده معماری و فرهنگ و چگونگی ارتباط پذیری آنها با یکدیگر که باید در راستای بسط و گسترش و یا به عبارت بهتر، استعلای مولفه های فرهنگی- اجتماعی و مولفه های طراحی معماری باشد، از مهمترین مواردی است که انتظار می رود در پژوهشها و مطاعات فرهنگی و در حوزه معماری مورد توجه بیشتری باشد؛ چنانچه امروزه درصد اندکی از مطالعات حوزه معماری به بررسی مولفه ها و متغیرهای فرهنگی وارد بر یا دخیل در معماری مربوط می شود. برای تحقق این هدف، گونه‌شناسی معماری مسکن و نقد و تحلیل اجزا و عناصر واحد مسکونی به لحاظ کاربرد آنها از جنبه‌های گوناگون، در هر منطقه حایز اهمیت ویژه‌ای است که باید مولفه های طراحی بر اساس نیازسنجی و مطلوبیت سنجی واحدهای مسکونی برای افراد ساکن باشد.

۶. «روش مندی طراحی و روشهای طراحی مسکن بر اساس مطلوبیت سنجی فرهنگی- اجتماعی از شهروندان»: لازم است هر یک از نیازها و نیز

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

خواسته‌های سکونتی به طور ویژه مورد بررسی قرار گرفته تا بهترین گزینه‌ها برای کالبد و عناصر مسکن انتخاب گردد. راهکار برای پاسخگویی به این دگرگونی‌ها می‌باید با توجه به ساختارهای اجتماعی و نیازهای فرهنگی در پهنه‌های جغرافیایی مختلف در نظر گرفته شود.

بر این اساس و طبق نتایج این پژوهش، می توان تدوین «طرح جامع مطالعات فرهنگی مسکن» را به عنوان یک سند فرادستی در دستورکار قرار داد که ارگانها و سازمانهای متولی بالاخص وزارت مسکن و شهرسازی به عنوان متولی اصلی، لازم است تا نسبت به انطباق بیشتر مسکن با زیست بوم و فرهنگ بومی در مناطق کشور ایران التفات بیشتری را مبذول دارد. لذا، این طرح باید شامل اسناد زیر در سطوح زمانی مختلف فرض شود:

۱. «سند تحلیلی»: شامل جمعبندی مطالعات بر اساس اسناد و مطالعات پشتیبان؛

۲. «سند راهبردی»: تلفیق اهداف، راهبردها و سیاستها؛

۳. «سند اجرایی»: شامل برنامه ها، اقدامات، اولویت بندی اقدامات، تعیین نهادهای مسئول و سازمانهای اجرا کننده؛

۴. «سند منطقه‌ای»: شامل شیوه منطقه‌ای کردن اقدامات، و فرایندهای اجرایی برنامه‌ها و نحوه بررسی و نظارت برنامه ها و اقدامات.

در انتها پیشنهاد می شود در راستای انجام مطالعات بهینه و مناسب در زمینه هماهنگ سازی تاثرات اجتماعی- فرهنگی مسکن بومی در ایران و کارآمدسازی تدوین طرح های پژوهشی و رویه اجرایی حاکم بر آن در زمینه مطالعات فرهنگی مسکن در مناطق مختلف ایران از نمودار زیر به عنوان الگوی فرآیندی استفاده گردد.

منابع و ماخذ

اشتری، بهروز (۱۳۶۵) ترکمن و تبار، مجموعه مقالات مردم شناسی، دفتر سوم.

اشتیانی، منوچهر (۱۳۸۳) ماکس وبر و جامعه شناسی شناخت، تهران، نشر قطره.

بحرینی و دیگران (۱۳۸۸) تحلیل مبانی نظری طراحی شهری معاصر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

بداغی، ذبیح الله (۱۳۷۱) نیازجان و فرش ترکمن، انتشارات فرهنگان، تهران.

برن، آگ و نیم کوف (۱۳۸۰) زمینه جامعه شناسی، ترجمه: آریان پور، تهران، انتشارات نگاه.

برولین، برنت (۱۳۸۳) معماری زمینه گرا، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، نشر خاک.

بنتلی، ای. ین و دیگران (۱۳۸۷) محیط های پاسخده: کتاب راهنمای طراحان، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.

بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۵) ترکمن های ایران، انتشارات پاسارگاد، تهران.

پژوهنده، محمد حسین (۱۳۹۰) اندیشه های جامعه شناسی فرهنگ، نشریه اندیشه حوزه.

پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸) فرهنگ شناسی، نشر قطره، تهران.

پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۶) رویکرد اندیشه ای در تداوم معماری ایران، صفه، سال ۱۶، شماره ۴۵.

پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۰) فرهنگ و مسکن، مسکن و محیط روستایی، شماره ۱۳۴.

پورکریم، هوشنگ (۱۳۴۶) ترکمن های ایران، مجله هنر و مردم، دوره ۴- ، ش ۴۱ ، ۴۲ و ۶۴ (اسفند ۴۴ و فروردین ۴۵؛ بهمن ۴۶).

پیتر همیلتون (۱۳۸۰) شناخت و ساختار اجتماعی، حسن شمس آوری، تهران، نشر مرکز.

جیکوبز، جین (۱۳۸۶) زندگی و مرگ شهرهای بزرگ امریکا، مترجم: پارسی، حمیدرضا؛ افلاطونی، آرزو، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

حبیب، فرح (۱۳۸۰) فضای شهری بستر تعامل اجتماعی (تعامل اجتماعی رویکردی به پایداری)؛ فصلنامه معماری و فرهنگ، سال هفتم، شماره ۲۴. ۱۳۸۰.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

حبیب، فرح، (۱۳۸۵) کندوکاوی در معنای شکل شهر، در: نشریه هنرهای زیبا، ش ۲۵.
حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.
حصوری، علی (۱۳۷۲) فرش های ترکمنی، انتشارات فرهنگان، تهران.
دنی کوش (۱۳۸۸) مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، مترجم: فریدون وحیدا، نشر سروش.
دهقانی، زکیه (۱۳۸۴) هویت از نظر راپاپورت، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
ذبیحی، مسیح (۱۳۵۰) گرگان نامه، به کوشش ایرج افشار، نشر فرهنگ ایران.
راپاپورت، آموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.
راپاپورت، آموس (۱۳۸۸) انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، نشر حرفه هنرمند.
راپاپورت، آموس (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیبی، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
راپاپورت، ایموس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران
راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) معنای نظم شهر، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله خاستگاه فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول، افرا بانک، در: فصلنامه فرهنگستان هنر، زمستان ۱۳۸۲.
راپاپورت، ایموس (۱۳۸۵) مقاله فرهنگ و نظم شهری، ترجمه سمیه جیریایی، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.
رضوی، مرتضی (۱۳۷۱) درآمدی بر جامعه شناسی شناخت، تهران، موسسه کیهان.
روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۶) زمینه فرهنگ‌شناسی تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی، تهران، نشر عطار.
روسک، جوزف و رولند وارن (۱۳۵۵) مقدمه ای بر جامعه شناسی، ترجمه بهروز نبوی و احمد کریمی، تهران، نشر فروردین.
سارلی، طاهر (۱۳۸۱) اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ترکمن ها از دوران قاجاریه تا پایان پهلوی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.
ساسن، ساسکیا (۱۳۸۹) جامعه شناسی جهانی شدن. ترجمه مسعود کرباسیان، نشر چشمه، تهران.
شورت، جان رنای (۱۳۸۸) نظریه شهری؛ ارزیابی انتقادی، مترجم زیاری، مهدنژاد و پرهیز، کرامت اله، حافظ و فریاد، دانشگاه تهران، تهران.
علیزاده، عبدالرضا و دیگران (۱۳۸۵) جامعه شناسی معرفت، چاپ ۲، تهران، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
غرایاق زندی (۱۳۷۸) چندفرهنگ گرایی و هویت فرهنگی در غرب؛ ضرورت ها و مشکلات، فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان ۱۳۷۸، شماره ۲۵
غزنویان، زهرا (۱۳۹۱) انسان شناسی فضای خانگی شهری؛ از مطلوبیت تا واقعیت، پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، استاد راهنما: ناصر فکوهی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
غفاری حمید(۱۳۷۸) جامعه چندفرهنگی غرب و اسلام گرایی، مجله انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، تابستان، شماره ۲۸
فاضلی، محمد (۱۳۸۶) مدرنیته و مسکن، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱.
فکوهی، ناصر (۱۳۸۳) انسان‌شناسی شهری، تهران، نشر نی.
قدیری، بهرام (۱۳۸۵) ساختارهای جدید در محیط های تاریخی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
کریمی مله (۱۳۸۶) چندفرهنگ گرایی و رهیافت های مختلف آن، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره چهارم، پاییز، صص ۲۱۱-۲۴۸
کسراییان، نصرالله (۱۳۷۰) ترکمن های ایران،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]

انتشـارات نـگار، تهـران.
کنعانـی، محمـد امیـن (۱۳۷۹) ترکمـن هـای ایـران، فصلنامـه مطالعـات ملـی، شـماره ۴.
کوئـن، بـروس (۱۳۸۴) درآمـدی بـه جامعـه شناسـی، ترجمـه محسـن ثلاثـی، نشـر توتیا.
کوپـر، جـی سـی (۱۳۷۹) فرهنـگ مصـور نمادهـای سـنتی، ترجمه ملیحه کرباسـیان، نشـر فرشـاد، تهران.
کـورز، لوئیـس آلفـرد (۱۳۷۸) نظریـه هـای بنیـادی جامعـه شناسـی، ترجمـه فرهنگ ارشـاد، تهران، نشـر نی .
گل‌محمـدی، احمـد (۱۳۷۸) جهانـی شـدن، فرهنگ، هویـت، تهـران، نشـر نی.
گلی، امیـن (۱۳۶۶) تاریخ سیاسـی و اجتماعی ترکمن ها، نشـر علـم، تهران.
گیدنـز، آنتونـی (۱۳۷۹) جامعـه شناسـی، ترجمـه منوچهـر صبـوری، تهـران، نشـر نـی.
لاری اِسـماور، ریچارد ای پورتر، لیزا اِاستفانی (۱۳۸۴) ارتبـاط بین فرهنگهـا، مترجم: دکتر غلامرضا
لوگاشـوا، بـی بـی رابعـه (۱۳۵۹) ترکمنهـای ایـران، ترجمـه سـیروس ایـزدی، انتشـارات شـباهنگ.
لینـچ، کویـن (۱۳۸۱) سـیمای شـهر، ترجمـه منوچهر مزینـی، تهران، انتشـارات دانشـگاه تهـران، چاپ پنجم.
محسـنی، منوچهـر (۱۳۷۴) مقدمـات جامعه شناسـی، ناشـر منوچهر محسـنی، تهران.
محسـنی، منوچهـر (۱۳۸۰) جامعـه شناسـی جامعـه اطلاعاتـی، تهـران، نشـر دیـدار.
Albrow, M. (1996) "The global age". Cambridge: Policy press.
Amos Rapoport , Some Further Thoughts On Culture And Environment, Archnet-IJAR, Volume 2 - Issue 1 - March 2008 - (16-39)
Bramely,Glen&Power,Sinead,.(2005)Urban from and Social Sustainability : The role of density and housing type
Bremner,L (1994)" space &the nation: three texts on aldo rossi",socity &space , No.12,pp: 287-300
Brenner, N. and Keil, R. (Eds.) (2006) "The Global Cities Reader". Routledge, London.
Brolin, B.C (1980) architecture in context: Fitting new building with old. New York: van Nostrand Reinhold.
Brolin, B.C(1980) architecture in context: Fitting new building with old. New York: van Nostrand Reinhold.
Castells, M. (1989) "the Informational City". Basil Blackwell, London.
Stokots ,D& I.Altman(1987) handbook of environmental psychology New Yourk : John wiley & Sons.
Waterhouse , A 91978)Boundareles of the city: The Architecture of Western Urbanism. Toronto: University Press.
Waterhouse, A 91978)Boundareles of the city : The Architecture of Western Urbanism. Toronto: University Press.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-13]